

چیستی و ماهیت «وحدت و همبستگی» در اندیشه سیاسی امام خمینی (س)

محمدحسین جمشیدی^۱

چکیده: از آنجا که وحدت و همبستگی برای حفظ و بقای یک جامعه و پیشرفت و تکامل آن امری عقلی است، بنابراین در ضرورت آن نمی‌توان تردید داشت. اما از آنجایی که این مفهوم می‌تواند چنان‌که هر مفهوم دیگری مورد بازخوانی، قرائت و تفسیر خاصی قرار گیرد و در هر گفت‌وگو خاص، معنایی خاص به خود داشته باشد، لذا مهتر از هر چیز چیستی آن در زیان و اندیشه اندیشمند و نظریه پرداز آن است و از آنجایی که هدف اساسی ما در این پژوهش بررسی دیدگاه گفت‌وگومانی ویژه حضرت امام است بنابراین چیستی و ماهیت وحدت از منظر ایشان مورد توجه است. بنابراین پرسش اصلی ما در این نوشتار این است که وحدتی که امام آن را به عنوان یک واجب الهی، امر مقدس و ضرورتی عقلی و شرعی نام می‌برد؛ چه نوع وحدتی است، از چه ویژگیها و کیفیتی برخوردار است و نهایت اینکه حقیقت آن چیست؟ چرا که ماهیت هر چیز بیان‌کننده ذات و حقیقت آن است. بدین معنی که با واقعیت وجودی خویش انطباق دارد. از این رو، در این نوشتار به بررسی ماهیت و چیستی وحدت در اندیشه امام خمینی می‌پردازیم.

کلیدواژه: وحدت، همبستگی، اتحاد، اخوت اسلامی، تفرقه، تکلیف شرعی، اعتصام، ریسمان الهی، سعادت ابدی.

مقدمه

یکی از مواهب و نعم بزرگ الهی و یکی از مقاصد مهم شریعت‌های آسمانی و ره آوردها و فرامین عقلی بشر، مسأله «وحدت و همبستگی انسانی» است. وحدت و همبستگی، ضرورتی فطری، عقلی،

۱. عضو هیأت علمی گروه اندیشه سیاسی در اسلام پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی.

Email: jam110@yahoo.com

این مقاله در تاریخ ۱۳۸۴/۳/۱۶ دریافت گردید و در تاریخ ۱۳۸۴/۴/۱۴ مورد تأیید قرار گرفت.

شرعی، سیاسی و اجتماعی است که از مهمترین عوامل حفظ بقای اجتماع و مدینه انسانی است و بشر نه تنها برای بقای حیات جمعی بلکه برای برخورداری از یک زندگی مطلوب چاره‌ای جز پذیرش آن ندارد.

این نعمت بزرگ عقلی و موهبت عظیم شرعی مقصد و مقصود تمام پیامبران الهی و رهبران دین آسمانی اسلام و مصلحان بزرگ بشر بوده است. وحدت و همبستگی شرط ترمیم خرابیها، تحقق سازندگی، حرکت به سوی رشد و توسعه فرهنگی، سیاسی و اقتصادی و پیروزی و موفقیت در تمام میادین زندگی است. حفظ و تداوم انقلاب اسلامی و تعالی و توسعه آن و تحقق و تثبیت ارزشهایش نیز تنها و تنها در سایه وحدت و یکپارچگی مردم تحقق می‌پذیرد.

اتحاد و وحدت برای نوع انسان و پیروان راه حق از چنان اهمیتی برخوردار است که خداوند اکیداً به آن امر و از تفرقه نسبت به آن نهی فرمودند: «وَأَعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعاً وَلَا تَفَرَّقُوا» [آل عمران: ۱۰۳]. یعنی «و همگی به ریسمان الهی چنگ زیند و اختلاف را پیشه خود نسازید». رسول خدا (ص) در اهمیت این امر به گونه‌ای سخن می‌گویند که گویی تفرقه و جدایی و بریدن از جمع و جماعت را رسم جاهلی می‌دانند: «مَنْ فَارَقَ الْجَمَاعَةَ مَاتَ مَيْتَةً جَاهِلِيَّةً» [صحیح النصاب: ۱۳۷۷: ۱۷۴۱؛ راهنمای انسانیت: ۱۳۷۶: ۱۷۴].

حضرت علی امیرمؤمنان^(ع) به دلیل حفظ وحدت و مصالح اسلام حکومت خلفای پیش از خود را پذیرفتند و سکوت بیست و پنج ساله‌ای را برای حفظ وحدت جامعه اسلامی و جلوگیری از اضمحلال آن پذیرا شدند. امام خمینی نیز بارها بر ضرورت عقلی و شرعی وحدت و همبستگی میان مسلمانان و جوامع اسلامی تأکید کرده و نگاه وحدت را «واجب الهی» دانستند:

بر همه ما اقتضای ملت، در هر مقامی که هستیم، واجب است، واجب الهی است که با هم پیوسته باشیم... [صحیفه امام ۱۳۷۸ ج ۶: ۲۴۴].

این در حالی است که تفرقه و جدایی یکی از مهمترین عوامل انحطاط، شکست، ضعف و عقب‌ماندگی جوامع محسوب می‌شود و این موضوع هم به لحاظ تاریخی و هم به لحاظ نظری قابل اثبات و بررسی است. به عنوان مثال آمده است:

چنگیز... دریافت که جهان اسلام در آتش تفرقه و اختلاف و ضعف و ناتوانی ناشی از آن می‌سوزد و لذا آهنگ بلاد اسلامی از جمله ایران و سرزمین خلافت را نمود... [موتقی ۱۳۷۵: ۱۷۹].

در دوران معاصر نیز جهان اسلام تحت تأثیر نوظهورهای بیگانگان و عوامل متعدد دیگر دچار اختلافات شدید و خانمانسوزی شده است که این خود، موقعیت مساعدی را برای هجوم غرب و سایر دشمنان فراهم آورده است. این اختلافات و تفرقه‌ها خطر و تهدید بزرگی برای جهان اسلام و نیز تک تک جوامع مسلمان محسوب می‌شود.

در قرون معاصر، تلاش در جهت وحدت مسلمین از سوی اندیشمندانی چون سید جمال‌الدین اسدآبادی و محمد عبده آغاز شد. بزرگمردانی نیز به پیروی از این دو تن در سراسر جوامع اسلامی برخاستند و فریاد «وحدت» سر دادند و حتی دارالتقريب بين مذاهب اسلامي را تاسيس کردند و تلاشهای ارزنده دیگری نیز در این زمینه انجام دادند. امام خمینی به عنوان یک نظریه‌پرداز و اندیشمند و فقیه بزرگ و به عنوان رهبر انقلاب اسلامی ایران این مسأله و ابعاد گوناگون آن را با عنایتی خاص مد نظر قرار داده و عملاً گامهایی چند در راه تحقق وحدت در جوامع اسلامی برداشتند.

از میان اقدامات و تلاشهای امام در باب وحدت می‌توان از طرح تقيه مداراتی و فتاوایی چند در این مورد (امام خمینی ۱۳۶۸ ج ۲: ۱۷۴-۲۰۰)، بویژه نگارش رساله‌ای در تقيه، احیای نماز جمعه، طرح مسأله براءت از کفار و مشرکین در مراسم حج، اعلام روز جهانی قدس و ... نام برد.

مفهوم وحدت و اتحاد

مسأله وحدت، از مسائلی است که در طول تاریخ - بویژه در دوران جدید - توجه مسلمانان را به خود جلب کرده است. گاه وحدت از منظر ایجاد یک نظام سیاسی - اجتماعی واحد در سراسر جهان اسلام مورد توجه قرار گرفته که معمولاً با عنوان «پان اسلامیسیم» از آن یاد شده است. مفهومی که ابتدا از سوی مخالفان اسلام مطرح شد و سعی کردند به آن جنبه نژادی و قومی دهند و آن را به عنوان ابزاری در جهت تفرقه و از هم پاشیدگی جوامع اسلامی به کار گیرند. برای نمونه ادوارد براون نهضت پان اسلامیسیم را که در سال ۱۹۰۲ در اروپا بر سر زبانها افتاده بود، ناشی از ساخته‌های هوچگرانه مخبر روزنامه تایمز در وین می‌داند (موتقی ۱۳۷۵: ۱۷۴). در حالی که این مفهوم بیان‌کننده «اتحاد همه کشورهای اسلامی... یا وحدت مسلمین جهان تحت مرکزیت واحد...» (موتقی ۱۳۷۵: ۲۷۳) است. گاه وحدت از زاویه بنیان فکری آن (عقیدتی، سیاسی و ...) مورد توجه قرار می‌گیرد. گاه نیز وحدت و اتحاد مسلمانان برای مقابله با خطر و تهدیدی که اسلام و مسلمین

را هدف قرار می‌دهد و می‌تواند روحیه شهامت و مبارزه را در آنها زنده نماید، مورد تعمق قرار می‌گیرد.

وحدت و اتحاد هر دو در اصل بیان‌کننده «یکی شدن»، «یک‌رنگی»، «همبستگی»، «همگرایی»، «یکدلی» و «حرکت در یک مسیر واحد» یا «برخورداری از جهت واحد» برای رسیدن به مقصدی واحد می‌باشد. برای نمونه در *لغت‌نامه دهخدا*، وحدت به معانی «یگانه شدن، یکتایی، یگانگی، یکی، عینیت، اتحاد، تنها و یکتا ماندن، یگانه شدن، یکی بودن، یگانگی و...» [دهخدا ۱۳۷۳ ج ۱۴: ۲۰۴۵۳] و اتحاد به معنای «یکی شدن، یگانگی دانستن، یک‌رنگی، یگانگی، یکدلی، یک‌جهتی، موافقت و اجتماع...» [دهخدا ۱۳۷۳ ج ۱: ۸۴۴] آمده است. وحدت و اتحاد در این معنا در برابر مفاهیمی چون کثرت، پراکندگی، اختلاف، تفرقه و نظایر آن می‌باشد. به لحاظ فلسفی نیز وحدت در مقابل کثرت مطرح می‌شود و «عبارت است از بودن چیزی به حیثیتی که منقسم نشود به امور متشابه که در ماهیت...» [دهخدا ۱۳۷۳ ج ۱۴: ۲۰۴۵۴].

بر همین اساس، تبدیل شدن جمع به واحد و کثیر به یکتا و تعدد به یگانگی و جهت‌های مختلف به یک جهت و مقاصد مختلف به یک مقصد و راه‌های گوناگون به یک راه بیان‌کننده معنا و مفهوم وحدت است و در اجتماع انسانی، یکدلی و یک‌جهتی آدمیان یک جامعه برای حرکت به سوی مقصدی واحد می‌باشد بدین معنا که هرگاه جمعی دارای هدف و آرمان‌های مشترکی باشند و برای رسیدن به آن اهداف و آرمان‌ها، مسیر مشترکی را انتخاب کنند و همه با هم در این مسیر مشترک حرکت کنند گفته می‌شود که آنها وحدت و اتحاد دارد که گاه از آن به اجتماع نیز تعبیر می‌شود.

امام خمینی در بیان مفهوم وحدت با اشاره به آیه شریفه «وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعاً وَ لَا تَفَرَّقُوا» [آل عمران: ۱۰۳] وحدت و اتحاد را اجتماع و با هم بودن در امری واحد می‌داند [صحیفه امام ۱۳۷۸ ج ۹: ۱۳۱] که در ادامه (ماهیت وحدت از نظر امام خمینی) به توضیح آن می‌پردازیم.

سطوح وحدت

قرآن کریم وحدت را در چهار سطح کلی مورد توجه قرار داده است: الف) در سطح جهانی یا وحدت بشریت: به نظر قرآن انسانها موجوداتی یکسان و برابر هستند و هیچ‌گونه امتیاز و برتری ذاتی با یکدیگر ندارند. عرب و عجم، سیاه و سفید همگی در پیشگاه خدا

و در برابر معیارهای حق و حقیقت با هم یکسانند و اگر اختلافاتی در طبیعت و خلقت آنها دیده می‌شود، برای شناسایی است نه در جهت جدایی و اختلاف. بنابراین، در سراسر جهان، وحدت انسانیت و وحدت انسانها، وحدتی طبیعی و فطری است، زیرا در همه آنها گرایش به اتفاق و اجتماع با هم‌نوع خود وجود دارد. قرآن در این باره به مسأله از یک اصل بودن بشر اشاره دارد و اختلافات قومی و ملی را عاملی برای شناسایی آنان می‌داند: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَ أَنثَىٰ وَ جَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَ قَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَىٰكُمْ» [حجرات: ۱۳].

در این آیه سه مسأله مطرح شده است که هر سه تأکید بر وحدت و اتحاد نوع انسانی دارد:

- ۱- آفرینش آدمیان از یک مرد و زن (اصل واحد)؛
 - ۲- تقسیم به شعوب (ملتها) و قبایل (اقوام) صرفاً برای شناسایی و امکان ایجاد رابطه و هماهنگی با یکدیگر است، زیرا طبعاً انس و علاقه و رابطه، در اثر شناسایی حاصل می‌شود و وحدت ناشی از این انس، علاقه و رابطه است.
 - ۳- معیار برتری نزد خدا تقواست که امری اکتسابی است و بسته به همت و تلاش فرد دارد. تقوا مانع تفرقه، اختلاف، تبعیض و بی‌عدالتی می‌باشد.
- امام خمینی در سطوح محدودتری از وحدت و اتحاد مستضعفین نیز سخن به میان می‌آورند. البته این نوع وحدت از دیدگاه امام جنبه سیاسی دارد و باید برای مقابله با قدرتهای ظالم و تحقق عدالت در جهان به وجود آید:

دنيا اگر بخواهد از شر فساد آسوده بشود، بايد همه مستضعفين دست به هم بزنند و قدرت‌های اينها را محدود کنند در حکومت‌های خودشان ...
بالاخره، اگر بخواهد بشر، مستضعفين عالم اگر بخواهند يك زندگي شرافتمندانه انسانی داشته باشند، بايد همه مستضعفين جهان به هم دست بدهند... [صحيفة امام ۱۳۷۸ ج ۱۵: ۵۲۰، ۵۲۱].

ب) وحدت صاحبان ادیان الهی یا وحدت اهل ایمان: در این نوع از وحدت، مؤمنان به توحید و ادیانی که ریشه آسمانی دارند با یکدیگر متحد هستند و در یک راستا یعنی تحقق توحید گام برمی‌دارند: «قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَمَالَوْا إِلَىٰ كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنُنَا وَ بَيْنَكُمْ أَلَّا نَعْبُدَ إِلَّا اللَّهَ وَ لَا نُشْرِكُ بِهِ شَيْئًا...» [آل عمران: ۸۵].

در این آیه نیز تأکید بر این است که در کلمه‌ای (بیانی) که بین ما و شما یکسان است، یعنی توحید و دوری از شرک وحدت داشته باشید. وحدت ادیان به لحاظ هستی‌شناسی و ایدئولوژیک تنها بر مبنای اصل توحید و یکتاپرستی صورت می‌گیرد و نوعی اعتصام به حبل‌الهی است و پیروی از توحید ضرورتاً وحدت را به دنبال دارد:

اگر تمام انبیا جمع بشوند در یک محلی، هیچ وقت با هم نزاع نمی‌کنند. اگر اولیاء و انبیا را، شما فرض کنید که الآن بیایند در دنیا، هیچ وقت با هم نزاع ندارند. [صحیفه امام ۱۳۷۸ ج ۱۱: ۳۸۱].

ج) در سطح دارالاسلام وحدت مسلمانان یا امت اسلامی: در این سطح اتحاد و به هم پیوستگی در راستای نوعیت بشر نیست بلکه در راستا و بر مبنای باور و ایمان به توحید و سایر اصول مکتب اسلام است. وحدتی که بیش از هر چیز مورد تأکید امام خمینی قرار دارد وحدت امت اسلامی است؛ قرآن در مورد این وحدت می‌فرماید: «إِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاعْبُدُونِ» [انبیاء: ۹۲]. یعنی: «همانا این امت شما امتی واحد است و من پروردگار شمایم پس مرا عبادت کنید».

از وحدت اسلامی، به معنای دقیق و حقیقی آن، گاه به «اخوت اسلامی» تعبیر می‌شود که علاوه بر ایمان اجتماع و اعتصام به حبل‌خدا، الفت و یکرنگی و محبت عاطفی شدید در آن مطرح می‌شود. این نوع وحدت بیش از همه مورد تأکید حضرت امام است و بارها و بارها آن را خاطر نشان می‌سازد:

یک چاره که اساس چاره‌هاست و ریشه این گرفتاری‌ها را قطع می‌کند و فساد را از بن می‌سوزاند، وحدت مسلمانان، بلکه تمامی مستضعفان و دربند کشیده‌شدگان جهان، است. و این وحدت، که اسلام شریف و قرآن کریم بر آن بافقاری کرده‌اند، با دعوت و تبلیغ دامنه‌دار باید به وجود آید ... [صحیفه امام ۱۳۷۸ ج ۱۸: ۹۱].

تا مجتمع نشوید، تا دستان را به هم ندهید، تا اخوت اسلامی را حفظ نکنید، نمی‌توانید در مقابل این قدرت‌ها بایستید. [صحیفه امام ۱۳۷۸ ج ۱۷: ۴۰۴].

د) در سطح کشور و ملت (وحدت ملی یا وحدت اقشار ملت): وحدت در این سطح مبتنی بر اشتراکات خاص ملی چون فرهنگ، زبان، نژاد و تاریخ یا به طور کلی ملیت و مبانی آن استوار است و مصالح ملی را مورد توجه قرار می‌دهد. از دیدگاه امام خمینی این نوع وحدت برای حفظ

انقلاب اسلامی که در چهارچوب مرزهای ایران و نظام جمهوری اسلامی و رهایی از بند استکبار تحقق یافت، در درون مرزها مطرح می‌شود:

شما آقایان، شما جوان‌ها، شما اقشار ملت، آن رمزی را که به آن رمز پیروز شدید حفظ کنید و آن حفظ وحدت کلمه است. اختلاف را کنار بگذارید، با هم برادروار، با هم با یک صدا به پیش بروید و آن استقرار حکومت عدل اسلامی برای همه، عدالت برای همه... از همه ملت خواستارم که حفظ کنند وحدت کلمه را و نگذارند اینها در بین اقشار شما تفرقه بیندازند [صحیفه امام ۱۳۷۸ ج ۷: ۶۴].

گاه نیز از وحدت در درون ملت، از اتحاد و وحدت اقشار با هم و با دولت در جامعه اسلامی سخن می‌گوید:

وقتی ملت و دولت با هم شد، قشرهای روحانی و قشرهای دانشگاه‌ها و سایر قشرها، ارتشی و اشخاصی دیگر همه با هم هستند و همه یک فکر می‌کنند، البته منافع ابرقدرت‌ها دیگر نمی‌شود تأمین بشود... [صحیفه امام ۱۳۷۸ ج ۱۳: ۹۶].

از میان این چهار سطح - با توجه به شرایط معاصر جامعه بین‌الملل - آنچه بیشتر از همه مورد توجه امام خمینی است، «وحدت امت اسلامی» و «وحدت ملی» در جهت تحقق اهداف راستین اسلام و اسلام ناب است، هر چند سایر موارد را نیز نادیده نمی‌گیرند.

ماهیت وحدت از دیدگاه امام خمینی جامع‌العلوم انسانی و مطالعات فرهنگی
برای بررسی ماهیت وحدت باید به ویژگیها و خصوصیات آن از منظر امام توجه داشت. در اینجا صرفاً به برخی از خصوصیات کلی وحدت از دیدگاه ایشان اشاره می‌شود:

۱) اعتصام به حبل الله

از دیدگاه امام خمینی هرگونه اتحاد و تجمعی مطلوب نیست بلکه آن تجمع و جماعتی مطلوب است که حول محور اعتصام به حبل الله شکل گیرد. امام بارها با اشاره به آیه «وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعاً وَلَا تَفَرَّقُوا» [آل عمران: ۱۰۳] تأکید بر وحدت همراه با اعتصام به حبل الهی دارد:

خدای تبارک و تعالی امر فرموده است: «واعتصموا بحبل الله اجتماع، لکن اجتماع با تشبث به حبل الله. هر اجتماعی مطلوب نیست، واعتصموا بحبل الله

مطلوب است، همان است که اقراراً باسم ربیک، اسم رب همان ریسمانی است که همه به آن باید اعتصام کنند. مردم را دعوت کنید به وحدت، دعوت کنید به اینکه گروه گروه نشوند [صحیفه امام ۱۳۷۸ ج ۸: ۳۳۴].

حضرت امام در این بیان دو موضوع را از هم متمایز می‌سازند که عبارتند از: الف) وجود وحدت: وحدت از اجتماع و با هم بودن نشأت می‌گیرد بدین معنا که عده‌ای با هدفی مشترک و در امری مشترک با هم اجتماع می‌کنند و جماعتی را به وجود می‌آورند. این امری عادی و طبیعی است و مورد تأیید هر گروه و مکتبی حتی رژیمها و مکاتب غیرالهی. بنابراین بدیهی است که آدمیان به صورت گروهی مجتمع برای انجام امر مشترک اقدام کنند و متحد شوند.

ب) ماهیت و محتوای وحدت: از دیدگاه امام آنچه حقیقت و ماهیت وحدت را روشن می‌کند این است که وحدت در چه جهتی و با چه انگیزه و قصدی صورت گیرد و محور وحدت و اساس آن چیست؟ محور وحدت در اندیشه امام خمینی «اعتصام» به «ریسمان الهی» است. «اعتصام» به معنای چنگ زدن به هدف واحد و ایده آل هستی است. از این روی وحدت به لحاظ هستی‌شناسانه با توحید ارتباط تام و تمام دارد. زیرا فقط راه حق است که فطرتاً می‌تواند انسانها را حول خدا متحد سازد و انسانها واقعاً تمایل فطری به حق و حقیقت دارند و این گرایش در همه آدمیان وجود دارد. پس وحدت حقیقی بدون اعتصام به خدا و حبل او و حقیقت، معنا نخواهد داشت. بنابراین، جمع شدن حول یک محور مشترک، به تنهایی، وحدتی گذرا، مقطعی و غیرحقیقی است و نامطلوب:

هر اجتماعی مطلوب نیست، واعتصموا بحبل الله مطلوب است... مردم را دعوت کنید به وحدت. دعوت کنید به اینکه گروه گروه نشوند [صحیفه امام

۱۳۷۸ ج ۸: ۳۳۴].

و ریسمان الهی ربوبیت است، اسم «رب» همان ریسمان خدایی است. یعنی پذیرش تدبیر و اداره امور عالم و حاکمیت مطلق هستی برای او و لا غیر. در عبارت دوم، امام حبل خدا و ریسمان او را «راه حق» می‌داند، راه صدق و راستی، راه خدا و پیامبران الهی که باز همان پذیرش ربوبیت و حاکمیت مطلقه خدا بر عالم وجود است. زیرا وحدت نیاز به محور، مینا یا منشأ و اساس واحدی

دارد و یا هدف و مقصد واحدی را می‌طلبد و لذا توحید می‌تواند به عنوان محوری اساسی برای وحدت در نظر گرفته شود، چون در جامعه توحیدی، انسانها در مسیر واحد (إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ) قرار دارند، برخلاف جامعه شرک و کفر که راهها و مسیرها گوناگون است.

بنابراین آنچه حقیقت و ماهیت وحدت و اتحاد را شکل می‌دهد «عبودیت» و «بندگی» در برابر «ربوبیت» و «الوهیت» حق است. «اعتصام به حبل خدا» به این معناست. آنچه از آیه شریفه استنباط می‌شود سه نکته اساسی است: (۱) «جمیعاً» که همان اراده جمعی و گروهی و با هم بودن است.

(۲) «واعتصموا بحبل الله» که اعتصام به حبل الهی در حالت جمعی است و بیان‌کننده محور و بنیان و رکن اساسی و ذات و ماهیت وحدت و مجتمع (جمیعاً) است.

(۳) «ولا تفرقوا» که به معنی نهی از تفرقه و جدایی است. در واقع، با وجود اعتصام به حبل الهی، وجود تفرقه و جدایی منتفی می‌شود. چه پیمودن راه حق باید به صورت جمعی و همگانی و به دور از تفرقه و اختلاف صورت گیرد. به همین دلیل رسول خدا (ص) بر مسأله جماعت و مجتمع بودن بر امر حق تأکید فراوان داشتند.

۲) مصلحت عمومی امت اسلامی

یکی دیگر از بنیانهای اساسی وحدت اسلامی «مصلحت عمومی امت اسلامی» است که نگاه از آن به صلاح امت یا مصالح جماعت و ... نیز تعبیر شده است. هرگاه مصالح عمومی جامعه اسلامی ایجاب نماید باید از اختلافات جزئی به راحتی چشم‌پوشی کرد و خواسته‌های فردی و گروهی را فدای مصالح جمع نمود. این موضوع بکرات مورد عنایت و توجه پیشوایان دین بوده است. به عنوان مثال، امام صادق (ع) در روایتی می‌فرماید:

از عملی که باعث ننگ و عار ما می‌شود بپرهیزید، مایه سرفرازی ما باشید نه سرافکنندگی، در نماز جماعات آنان [برادران اهل سنت] شرکت کنید، بیمارانشان را عیادت نمایید و در مراسم تشییعشان حضور به هم رسانید، و مبادا آنان در کارهای نیک بر شما سبقت بگیرند که سزاوار است شما بر آنان پیشی بگیرید، به خدا هیچ چیز محبوبتر از خباء نیست، پرسیده شد: خباء

چیست؟ فرمودند: تقیه و بر اساس برخی از نقل قولها در پایان روایت فرمودند: «ان ذلک احب العبادات و احسنها» [حر عاملی ۱۹۹۱: ۱۱].

البته، به تعبیر امام خمینی منظور از این نوع تقیه، تقیه مداراتی است که عبارت است از مدارا نمودن با اهل سنت، برای حفظ وحدت مسلمانان و بقای اسلام و جامعه اسلامی بدون اینکه ترس و بیمی در کار باشد.

بر این اساس، امام خمینی در کتاب رساله‌ای در تقیه، تقیه را بر دو نوع می‌داند:

- ۱) تقیه اضطراری که از روی ترس و بیم است و برای حفظ جان، آبرو و یا دارایی و ... خود یا برادر ایمانی و یا ترس از ضرر رسیدن به حوزه اسلام و اختلاف کلمه میان مسلمانان است.
- ۲) تقیه مداراتی که آنچه مطلوب است وحدت کلمه مسلمین است و با محبت و دوستی و مدارا با اهل سنت بدون اینکه ترس و بیمی در کار باشد، صورت می‌گیرد.

راز و رمز تقیه مداراتی، مصلحت عمومی امت اسلامی، وحدت کلمه آنها در برابر دشمنان و جلوگیری از تفرقه و پراکندگی حمایت آنان است تا اینکه میان سایر ملل دلیل و خوار نشوند و تحت سلطه کفار و سیطره آنان قرار نگیرند [امام خمینی ۱۳۶۸ ج ۲: ۲۰۰-۱۷۴].

همچنین حضرت امام برای رعایت مصالح امت اسلامی شرکت در نماز اهل سنت را جایز و بلکه لازم می‌داند. برای نمونه در جواب استفتایی چون: «برای شرکت در نماز جماعت اهل سنت باید به وظایف نماز فردی عمل کرد یا احکام جماعت؟» اینگونه پاسخ می‌دهند: «وظیفه جماعت است و احکام جماعت را دارد» یا در مورد پرسش: «با توجه به اینکه اهل سنت دست بسته نماز می‌خوانند و آمین می‌گویند آیا در حال اختیار شیعیان می‌توانند در نماز جماعت اهل تسنن شرکت کنند؟»

می‌فرماید: «در مورد تقیه شرکت جایز و نماز صحیح است و مختص به مورد ضرورت نیست» [بی‌آزار شیرازی ۱۴۰۴: ۲۳].

در جایی دیگر امام خمینی در ضرورت حفظ مصالح عمومی، یعنی مصالح مردم یک جامعه می‌فرماید:

امروز، روزی است که باید تمام قدرت‌ها هماهنگ باشند و همه حفظ نظم بکنند، که اگر نظام به هم بخورد، وضعیت به هم می‌خورد و همه خودشان را فدایی اسلام بدانند... شما مهیا باشید، تروید سراغ اختلافاتی که خودشان

دارند با هم، شما بین راه هستید. اختلاف‌ها را کنار بگذارید... [صحیفه امام ۱۳۷۸ ج ۱۳: ۲۰].

همه موظفید که در این زمانی که زمان حساسی است و اسلام گرفتاری دارد و کشور ما گرفتاری دارد، همه با هم یکصدا و با هم یکنواخت نهضت را پیش ببریم و انشاءالله به پیروزی آخر برسیم و می‌رسیم [صحیفه امام ۱۳۷۸ ج ۷: ۲۰۴].

بر اساس آنچه گذشت، یکی دیگر از عواملی که ماهیت وحدت را شکل می‌دهد مصالح عمومی جامعه اسلامی و امت اسلامی یعنی مصلحت کلی مردم در درون جامعه اسلامی است. وحدت در این بُعد رنگ سیاسی به خود می‌گیرد. به همین جهت از وحدت به طور عمده تحت عنوان وحدت سیاسی امت اسلامی یا جامعه اسلامی یاد می‌شود زیرا وحدت به دلیل مصالح عمومی تحقق می‌یابد.

۲) مصالح اسلام و شرع مقدس

یکی دیگر از خصوصیات و ویژگیهای وحدت در اسلام، رعایت «مصالح اسلام» و «شرع مقدس» است. بدین معنا که اسلام، قوانین و احکام اسلامی، وطن اسلامی و هر آنچه به اسلام تعلق دارد، باید حفظ شود و وحدت و اتحاد مسلمانان در حفظ این راه از ضروریات اولیه است. وحدتی که بر حفظ سرزمین اسلامی یا قوانین اسلام و وحی نینجامد، وحدت مطلوب و حقیقی مورد نظر امام خمینی نیست. اساس حفظ اسلام است و وحدت ابزاری برای تحقق آن. حضرت امام در این زمینه می‌گوید:

ما برای دفاع از اسلام و ممالک اسلامی و استقلال ممالک اسلامی در هر حال مهیا هستیم. برنامه ما برنامه اسلام است، وحدت کلمه مسلمین است، اتحاد ممالک اسلامی است، برادری با جمیع فرق مسلمین است... [صحیفه امام ۱۳۷۸ ج ۱: ۳۳۶].

این است که می‌بینیم از دیدگاه امام تمام مسلمانان از هر نژاد و قومیتی که باشند و با هر زبانی که سخن بگویند، عزیز و گرامی هستند. مهم این است که آنها کلمه اسلام را پذیرفته و کلمه توحید را شعار خویش قرار داده‌اند. لذا باید برای حفظ کیان اسلام و ملل اسلامی متحد شد:

ما ملت اسلام راه ترکش باشد، عربش باشد، صغش باشد - از هر ملت -
 افریقا باشد، امریکا باشد، هر جا می‌خواهد باشد، ما ملت اسلام را عزیز
 می‌داریم [صحیفه امام ۱۳۷۸ ج ۱: ۲۸۱].

سیادت اسلام و عزت مسلمین نیز از مواردی است که وحدت برای آن صورت می‌گیرد. این
 در حالی است که تفرقه و جدایی مسلمانان عامل شکست، ضعف، ذلت و زیونی آنها و سلطه
 دشمنان بر آنها می‌شود. این است که از نظر امام خمینی تمام بدبختیهای مسلمانان از اختلاف و
 تفرقه‌ای است که بین آنها وجود دارد و راه رسیدن آنها به سیادت و آقایی و حفظ حقیقت و
 محتوای اسلام ناب بستگی به وحدت و اتحاد مسلمین دارد:

بدبختی‌های مسلمین برای این تفرقه‌ای است که بینشان هست. ملت‌های
 مسلم با هم اجتماع کنند و حکومت‌ها را الزام کنند به اینکه دست از تفرقه
 بردارند و دست از حمایت از منافع اجانب هم بردارند [صحیفه امام ۱۳۷۸ ج ۴:
 ۴۴۵].

اخوت و برادری اسلامی که شکل حقیقی و ناب وحدت است شرط تحقق قدرت اسلام و بقا
 و استمرار و دوام آن است. با چنین وحدتی تمام مشکلات مسلمانان حل می‌شود چون هیچ قدرتی
 توان برخورد با آنان و سرزمینهای آنان را ندارد. در واقع درمان اصلی دردهای جوامع اسلامی
 وحدت است:

من امیدوارم که بین دولت‌های اسلامی بیک اخوتی، اخوت اسلامی،
 همان‌طوری که قرآن امر فرموده است، پیدا بشود؛ که اگر این اخوت
 اسلامی در بین ممالک اسلامی پیدا بشود، بیک قدرت عظیمی است که هیچ
 بیک از قدرت‌های دنیا نمی‌توانند. به پای آن باشند [صحیفه امام ۱۳۷۸ ج ۸:
 ۱۸۸].

بنابراین، مصالح اسلام عامل وحدت است و محور و بنیان آن وحدت برای حفظ اسلام و حفظ
 کبان آن و تداوم و گسترش دعوت اسلامی در جهان معنا می‌یابد. نمازهای جمعه و جماعات،
 اعلام برائت از مشرکین در مراسم حج، اعلام هفته وحدت، اعلام روز قدس، همه و همه در جهت
 مصالح اسلام و شرع اسلامی است که به معنای گذشتن از مصالح شخصی، گروهی، قومی و ملی
 - یعنی همان مصالح عمومی کشور اسلامی - برای حفظ مصالح عالیة اسلام است.

۴) توحید کلمه و عقیده

ماهیت وحدت همچنان با مفهوم توحید در عقیده یا به عبارت دیگر، «توحید کلمه» یا «توحید اعتقاد» روشن می‌شود. بر این اساس، «کلمه‌ای واحد»، «نظری واحد»، «اعتقاداتی واحد» و «جهان‌بینی واحد» وجود دارد که همه بدان ملتزم خواهند بود. چنین وحدتی عامل رشد، پیشرفت، تعالی و تکامل جامعه خواهد بود و می‌تواند مدینه فاضله و حکومت مطلوب را ایجاد نماید. به بیان امام:

یکی از مقاصد بزرگ شرایع و انبیاء عظام، سلام الله علیهم، که علاوه بر آنکه خود مقصود مستقل است، وسیله پیشرفت مقاصد بزرگ و دخیل تام در تشکیل مدینه فاضله می‌باشد، توحید کلمه و توحید عقیده است... [امام خمینی ۱۳۷۵: ۳۰۹-۳۱۰].

اگر در صدر اسلام جامعه‌ای فاضله تشکیل شد و پس از آن مسلمانان توانستند بخش بزرگی از جغرافیای شناخته شده آن روز را تحت سلطه خود درآورند، بر اثر همین وحدت کلمه و عقیده و به تعبیر حضرت امام، بر اساس وجود شمه‌ای از وحدت و اتحاد مبتنی بر اخوت و برادری بین مسلمانان بوده است. چنین وحدتی حول یک جهان‌بینی مشترک شکل می‌گیرد و ایجاب می‌کند که مسلمانان به عنوان صاحبان این مکتب و جهان‌بینی، وحدت لازم را در راستای آن داشته باشند: پس بر هر مسلم غیور دینداری لازم است برای [حفظ] شخص خود از فساد، و نوع اهل دین از نفاق و نگهداری حوزه مسلمین و نگهداری وحدت و جمعیت و احکام عقد اخوت خود را از این رذیله [تفرقه‌جویی حفظ] کند... [امام خمینی ۱۳۷۵: ۳۱۱].

بنابراین از دیدگاه دینی و اعتقادی، افتراق کلمه، جدایی عقاید، دوگانگی و چندگانگی در نگرشها و اعتقادات، امری مذموم و ناپسند است. در حالی که وحدت کلمه و وحدت اعتقاد امری پسندیده و مطلوب تلقی می‌شود. امام خمینی افتراق کلمه، جدایی و تفرقه را از گناهان کبیره می‌داند و مسلمین را مأمور به ایجاد دوستی، برادری، مواصلت و نیکویی به یکدیگر و مودت و اخوت در راه ایجاد اتحاد کلمه و وحدت کلمه می‌داند. در این باره چنین مطرح می‌کند:

مسلمین مأمورند به دوستی و مواصلت و نیکویی به یکدیگر و مودت و اخوت و معلوم است آنچه موجب ازدیاد این معانی شود، محبوب و مرغوب است و آنچه این عقد مواصلت و اخوت را بگسلد و تفرقه در بین جمعیت

اندازد، مبنی‌بر صاحب‌شرع و مخالف مقاصد بزرگ اوست. و پر واضح است که این کبیره موقفه اگر رایج شود در بین جمعیتی، موجب کینه و حسد و بغض و عداوت شده و ریشه فساد، در جمعیت بدو اند، درخت نفاق و دورویی در آنجا ایجاد کند، و برومند نماید، و وحدت و اتحاد جامعه را گسسته کند، و پایه دیانت را سست کند و از این جهت بر فساد و فحیح آن افزوده گردد [امام خمینی ۱۳۷۵: ۳۱۱-۳۱۰].

۵) وحدت‌کنش، حاصل وحدت عقیده

از دیدگاه اسلام عقیده و نگرش راهگشا و روشن‌کننده عمل و حرکت است. بدون عقیده عمل معنا ندارد. همه چیز انسان از نیت و قصد او شروع می‌شود «إنما الاعمال بالنیات» و بعد از نیت و قصد، عمل معنا می‌یابد و نیت و قصد نیز مبتنی بر شناخت و جهان‌بینی و جهان‌نگری انسان است. بنابراین، بر اساس رهنمودهای مکتب اسلام از جهان‌بینی واحدی شروع می‌کنیم و به عمل واحدی می‌رسیم. پس وحدت کلمه یا همان وحدت در عقیده و باور و سخن است که ما را به وحدت عمل رهنمون می‌سازد:

کوشش بشود به اینکه آن وحدت حقیقی - که لازمه یک امت مسلمان است و مورد توجه پیغمبران عالم است و مورد امر خدای تبارک و تعالی است - آن امر را دنبال کنیم که حاصل بشود. در طبقات متعارف ملت و ملت‌ها این وحدت آسان‌تر است تا طبقات بالا - باصلاح بالا - [صحیفه امام ۱۳۷۸ ج ۱۴: ۱۵۲].

به طور کلی از دیدگاه امام مبنای اساس وحدت عمل، وحدت اسلام است و لذا با هماهنگی بین عقیده و عمل است که وحدت معنا می‌یابد. اگر ما در عقیده و در کلمه دارای وحدت هستیم معنا ندارد که در عمل و در حرکتهای سیاسی و اجتماعی فاقد وحدت باشیم. به تعبیر امام خمینی: در اسلام، نزاد، گروه، دستجات، زبان، این‌طور چیزها مطرح نیست. اسلام برای همه است و به نفع همه. و ما با شما برادر هستیم به حکم قرآن، به حکم اسلام؛ و از هم جدا نیستیم... دشمنی در کار نیست، همه برادر؛ همه مسلمان؛ همه اهل قرآن؛ همه تابع رسول اکرم (ص) [صحیفه امام ۱۳۷۸ ج ۹: ۳۵۹].

۶) جماعت و امداد خدایی

شعار معروف «دست خدا با جماعت است» ترجمه احادیثی از پیشوایان اسلام است. برای نمونه حضرت علی^(ع) می‌فرماید: «فان یدالله مع الجماعة و ایاکم و الفرقة» [مجلسی: ۲۸۹] یعنی پس [بدانید که] دست خدا با جماعت است و از تفرقه و جدایی پرهیزید یا «فان یدالله علی الجماعة و ایاکم و الفرقة» [ابن ابی الحدید ۱۴۰۴ ج ۸: ۱۱۲]. اینگونه روایات و احادیث بیان‌کننده آن است که وقتی اقلشار و گروههای انسانی با هم شدند و فرد تبدیل به جماعت و نفس تبدیل به اجتماع گردد و اجتماع و جماعت نیز هدفی واحد و راهی واحد را آغاز کنند، سنت و قانون الهی حاکم بر جهان این است که آنان در رسیدن به اهداف خود موفق خواهند شد. آری سنت و قانون لایتغیر خدایی این است که جمع و اجتماع واحد را یاری می‌کند، ولی حاصل تفرقه و جدایی جز شکست نخواهد بود. لذا در احادیث تعبیر «دست خدا» که مظهر قدرت و توان اوست همراه با جماعت آمده است. امام خمینی نیز تأکید دارد که این امر، ارتباط مستقیم میان پیروزی و موفقیت در زندگی با اجتماع و وحدت یک قاعده عقلی، تجربی، شهودی و شرعی است:

لکن یدالله مع الجماعة؛ خدای تبارک و تعالی با جماعت است ... پشتیبان آنهاست و ما حس کردیم این مطلب را، ذوق کردیم این مطلب را، که این جماعت ایران که با هم شدند خدا پشتیبان آنها بود، و الآن هم هست [صحیفه امام ۱۳۷۸ ج ۶: ۳۱۳].

او همچنین در سخنی دیگر می‌فرماید:

همه با هم. وقتی همه با هم شدند؛ یدالله مع الجماعة؛ جماعت وقتی که با هم شدند پشتیبانشان خدای تبارک و تعالی است... [صحیفه امام ۱۳۷۸ ج ۷: ۱۰۷].
حتی در کلامی دیگر امام خمینی نفس اجتماع و جماعت مبتنی بر توحید و حرکت الهی را «یدالله» یعنی قدرت خدا می‌داند. بدین معنا که جمع انسانهای متحد در راه خدا و حق و عدالت، دست و قدرت الهی هستند که می‌توانند هر نیرویی را به تسلیم وادارند:

همه حرکت، حرکت الهی بود، شماها یدالله بودید در آن وقت، و این جماعت، این جماعت‌هایی که با هم یکصدا فعالیت می‌کردند، اینها یدالله بودند... [صحیفه امام ۱۳۷۸ ج ۱۲: ۳۵۶].

این مسأله به دلیل تکوینی و طبیعی بودن (سنت خدایی) فزونی توان جمع نسبت به فرد در میان سایر موجودات نیز مصداق دارد؛ چه «قطره‌ها تبدیل به سیل می‌گردند». البته این موضوع در مورد انسان که اشرف مخلوقات است و از عقل و اختیار برخوردار می‌باشد، دارای اهمیت اساسی و تعیین کننده است زیرا تأمین صلاح دنیا و آخرت، دین و دنیای جوامع بشری در سایه وحدت، همبستگی و اتحاد اعضای آن تأمین می‌شود. به بیان امام خمینی:

مسأله‌ای که شما می‌خواهید دنبال کنید - یعنی، مسأله هماهنگی بین تمام نهادها - بسیار مهم است. شما باید احساس کنید که صلاح دین و مکتب ما و صلاح مملکت ما این است که همه با هم یک کار را دنبال کنیم ... اختلاف مال شیطان است، در رحمان اختلاف نیست ... [صحیفه امام ۱۳۷۸ ج ۱۵: ۳۹۱-۳۹۲].

این است که در روایات پیامبر (ص) می‌خوانیم که می‌فرماید: «الجماعة رحمة و الفرقة عذاب» [تهج النصاحه ۱۳۷۷: ۴۳۳؛ راهنمای انسانیت ۱۳۷۶: ۱۷۴]. یعنی: اتحاد، وحدت و همبستگی رحمت است و تفرقه و جدایی عذاب است. یا «الجماعة رحمة و الفرقة عذاب» [تهج النصاحه ۱۳۷۷: ۳۹۵].

پرهیز از اختلافات سست و بی‌پایه به سلیقه‌هایی که بنیانها را درهم می‌ریزد، مورد انکار هر عقل سالمی است و برآستی از منکرات بزرگ زندگی اجتماعی و مدنی است و از عوامل شکست و انحطاط جامعه، نه صلاح دین در آن است نه صلاح و خیر دنیا. در حالی که وحدت و یکپارچگی بویژه در مقاطع حساس و بحرانی از ضروریات و از عوامل سازنده و پیش‌برنده است که هم صلاح دنیا را تأمین می‌کند و هم صلاح آخرت را. قطره‌ها را به سیل تبدیل می‌کند و عالمی را دگرگون می‌سازد. بنابراین عقل حکم می‌کند که وحدت یک ضرورت جهانی و فطری برای حفظ و بقای انسان و جامعه انسانی است.

۷) تکلیف الهی و شرعی «تقدس وحدت»

از دیدگاه امام خمینی رعایت وحدت و اتحاد تکلیف شرعی است. این تکلیف - بویژه در هر جا که مصالح کلی تر در خطر باشد - به طور عمده جنبهٔ وجوب پیدا می‌کند و بر همگان فرض می‌شود، در شرایط خاص و بحرانی حتی امام خمینی فقدان وحدت را نوعی «انتحار» و «خودکشی جمعی» می‌داند.

امروز ما مکلف هستیم که در هر لباس و هر شغلی هستیم، از اختلاف کلمه احتراز و به وحدت اسلامی که پیوسته مورد سفارش کتاب و سنت است گرایش نموده، و کلمه حق را غلبا و کلمه باطل را سفلا قرار دهیم. در این موقع حساس که کشور ما و اسلام عزیز در معرض خطر عظیم است، تکلیف همه گروه‌ها و افراد، خطیر و عظیم است. سستی و سردی در حال حاضر و اختلاف و افتراق کلمه، در حکم انتحار و به هدر دادن خون فرزندان اسلام است [صحیفه امام ۱۳۷۸ ج ۴: ۳۱۱].

در جایی دیگر رعایت اتحاد و وحدت را با اشاره به آیه «واعتصموا...» دستور و فرمان الهی می‌داند که اجتناب و تخلف از آن جرم و گناه محسوب می‌شود، چه با وحدت و اعتصام جمعی به حبل الهی است که پیشرفت و تکامل و پیروزی تحقق می‌یابد و با تفرقه و جدایی است که شکست و نابودی ملت قطعی خواهد بود:

اسلام دستور داده است و فرموده است: *واعتصموا بحبل الله جمیعاً و لا تفرقوا؛ همه با هم - تمام اقشار با هم - اعتصام به حبل الله، توجه به خدای بزرگ... همه باید پیش برویم. تخلف از این دستور الهی جرم است، گناه است* [صحیفه امام ۱۳۷۸ ج ۷: ۹۹].

گاه نیز جدایی و افتراق را خیانت به اسلام می‌داند زیرا باعث ایجاد خلل در قدرت اسلام می‌گردد و باعث شکست اسلام و مسلمین خواهد شد. اسلام ما را به وحدت مأمور کرده است به وحدت کلمه دستور داده است. پس نه تنها باید از تفرقه پرهیز کرد بلکه باید با تفرقه‌افکنان نیز ستیز نمود. جایی برای تفرقه‌افکنان باقی نگذاشت. تفرقه‌افکنان خائن هستند و خائنین را باید دور کرد. نباید اجازه داد در صفوف مسلمانان وارد شوند.

نگذارید خائنان در صفوف فشرده شما نفوذ کنند، نگذارید آنهایی که تفرقه افکنند به بهانه‌های بی‌جا در بین شما تفرقه بیاندازند؛ جلو این تفرقه‌ها را بگیرید. برای اسلام خدمت کنید؛ اسلام مأمور کرده ما را به وحدت کلمه. تفرقه‌اندازان از اسلام بیروند [صحیفه امام ۱۳۷۸ ج ۷: ۱۳۰].

از دیدگاه امام خمینی شرع به شما تذکر می‌دهد که تفرقه رمز شکست و اتحاد رمز پیروزی است. اجتماع برای خدا نجاتبخش است و وحدت امری الهی و تفرقه عذاب و امری شیطانی است. باید همه تحت پرچم توحید و ایصال به خدا قرار گیرند تا به موفقیت و کامیابی برسند. این

موضوع بویژه وقتی دشمن مشترک وجود دارد، اهمیت بیشتری می‌یابد. در این شرایط هم عقل و هم شرع اقتضا می‌کنند که وحدت و یکپارچگی را باید هر چه بیشتر حفظ کرد و از تفرقه و جدایی پرهیز نمود:

عقل ما و دیانت ما و اسلام و همه چیز اقتضا می‌کند که حالا وقتی بنا شد که همه با ما بودند، با هم خوب بشویم، طرفدار هم باشیم... این یک تکلیف الهی - شرعی است به عهده ما و به عهده همه ملت... یک وقت ما بینیم که می‌خواهد یک همچو چیزی واقع بشود تکلیف شریمان این است که با هر ترتیبی که می‌شود جلویش را بگیریم ولو به افشا کردن، ولو به این که یک نفری را قربانی کنیم برای یک ملت، یک دسته‌ای را قربانی کنیم برای یک ملت [صحیفه امام ۱۳۷۸ ج ۲۰: ۲۲۶-۲۲۷].

۸) برادری اسلامی (وحدت مبتنی بر برادری اسلامی)

بر اساس نظر قرآن رابطه‌ای که بین مؤمنان ایجاد می‌شود، رابطه‌ای است که از آن تحت عنوان «اخوت» یا «برادری» یاد می‌گردد. قرآن در این زمینه می‌فرماید: «أخوة المؤمنون اخوة» [حجرات: ۱۰]. یعنی همانا مؤمنان با هم برادر هستند. پیامبر اسلام (ص) با تکیه بر اصل برادری و اخوت مسلمانان بود که هنگام هجرت در مکه به مهاجران فرمود: «إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ قَدْ جَعَلَ لَكُمْ إِخْوَانًا وَ دَارًا تَأْتُونَ بِهَا» [ابن هشام بی‌تاج ۲: ۱۰۹]. یعنی: همانا خداوند برای شما برادرانی و خانه‌ای قرار داده است که در آن تأمین دارید. ایشان بعد از ورود به یثرب بین مهاجران و انصار «برادری دو جانبه» را در عمل تحقق بخشید. در سوره ابن هشام آمده است که در این خصوص خطاب به مسلمانان می‌فرماید: «تَأَخُّوا فِي اللَّهِ أَخَوْتَيْنِ أَخَوْتَيْنِ» [ابن هشام بی‌تاج ۲: ۱۴۶]. یعنی شما دو به دو با یکدیگر در راه خدا و برای او برادر شوید. بر مبنای چنین اقدامی خود شخصاً با حضرت علی (ع) پیمان برادری بست و مسلمانان نیز دو به دو با یکدیگر برادر شدند. برای نمونه حمزه، عموی پیامبر (ص)، با زید بن حارثه و جعفر بن ابیطالب با معاذ بن جبل برادر شد. از چنین اخوتی به اخوت ایمانی یا اخوت اسلامی تعبیر می‌شود که بیان‌کننده زیباترین شکل وحدت یعنی رعایت وحدت در تمام شئون زندگی اجتماعی است. مایه و ریشه چنین وحدتی، الفت و محبت بین قلوب است. بر این اساس، وحدت حقیقی دارای چند ویژگی است که از آن به اخوت اسلامی یا اخوت ایمانی تعبیر می‌شود:

۱- اجتماع و همگرایی مردم در راه مشترک با هدف و مقصد مشترک؛

۲- اعتصام به جبل الهی و خدایی بودن مبنا و ملاک وحدت؛

۳- وجود الفت بین دلها و قلوب اعضای جامعه؛

۴- یکرنگی و صداقت بین اعضای جامعه.

امام خمینی نیز با اشاره به آیه اخوت — *إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ* [حجرات: ۱۰] — تأکید دارد که راه داشتن استقلال و رهایی از تعدیات بیگانگان وجود چنین اخوت و برادری است. راه حفظ و تداوم انقلاب و حفظ کشور پیوند اخوت یا وحدت حقیقی و مبتنی بر الفت در بین افراد جامعه است و این خود یک تکلیف دینی و شرعی است:

آنهایی که همه چیز بر آنها محول است و سایر قشرهای ملت مکلفند به اینکه اسلام را حفظ کنند، مکلفند به اینکه جمهوری اسلامی را حفظ کنند؛ و این تکلیف، تکلیفی است که از بزرگترین تکالیفی است که اسلام دارد و آن حاصل نمی‌شود الا با تفاهم، الا با اینکه همه ملت با هم برادر باشند. مؤمنون اخوه هستند، اگر این اخوت ایمانی در سرتاسر کشور ما محفوظ بماند و هر کسی برای خودش توجه به خود نداشته باشد، توجه به مقصد داشته باشد و خودش را برای مقصدش بخواهد، هیچ کس نمی‌تواند به این کشور تعدی کند [صحیفه امام ۱۳۷۸ ج ۱۷: ۴۳۵].

بر این اساس اخوت و برادری در اصل به معنای گذشتن از مقاصد و منافع شخصی برای مصلحت عمومی می‌باشد و تا انسان از سر منافع خصوصی برنخیزد و خود را در جامعه و مصلحت کلی مردم (عامه) ذوب نکند، اخوت و وحدت معنا نمی‌یابد. حضرت امام در جایی دیگر می‌فرماید:

این برادری یکی از اموری است که در قرآن کریم، همه ما را برادر خواندند؛ مسلمان‌ها را، مؤمنین را، و برادرها باید با حسن نیت و برادری مجتمع باشند و بحمدالله تعالی، هستند. ما باید این نعمت الهی، که خدا این را نعمت حساب کرده — این نعمت، بزرگترین نعمت است — این نعمت الهی را ما باید حفظ کنیم. مادامی که این نعمت الهی را ما حفظ کردیم، در امان هستیم از همه شیاطین. و آن روزی که ما این نعمت را — خدای نخواست — از دست بدهیم، آن روز است که خلل وارد می‌شود به کشور ما [صحیفه امام ۱۳۷۸ ج ۱۶: ۱۷۳].

۹) وحدت، شرط تداوم رحمت و رسیدن به سعادت ابدی

وحدت و یکپارچگی عاملی است که باعث تحقق رحمت الهی بر بشر، تداوم آن و کلید بهشت و سعادت اخروی می‌باشد. با وحدت رحمت الهی بر بشر گشوده می‌شود و با تفرقه و اختلاف در رحمت بر روی بشر بسته می‌گردد؛ امام خمینی در این مورد می‌فرماید:

از این جهت که دست خدا در کار است، باید شما و ما و همه، کاری بکنیم که این دست رحمت بسته نشود؛ از روی سر ما برداشته نشود. و آن کار این است که همان طوری که تا حالا همه با هم بودیم و بدالله مع الجماعة، و همه برای خدا بود و خدای تبارک و تعالی عنایت فرمود، حالا هم توجه به یک گرفتاری‌های شخصی عجالاً نکنیم... [صحیفه امام ۱۳۷۸ ج ۸: ۷۷].

همان‌گونه که وحدت رحمت، آرامش و امنیت و مهمتر از همه صلاح و سعادت جامعه را به دنبال دارد، اختلاف و تفرقه نیز هرگونه فساد را به دنبال دارد. به تعبیر امام خمینی:

... همه با هم باشید و تفرق در کار نباشد. با تفرق همه فسادها هست. و با تمسک به خداوند همه صلاح و سعادت‌ها هست [صحیفه امام ۱۳۷۸ ج ۸: ۳۱۶].

بنابراین درمی‌یابیم که چون در تفرقه و اختلاف منافع شخصی جای مصالح عمومی و مصالح شریعت را می‌گیرد و منافع شخصی برای هر فردی و هر گروهی از افراد و گروه‌های دیگر متفاوت است طبعاً درگیریها، فساد و جنایات برای به دست آوردن منافع رخ می‌دهد؛ در حالی که در وحدت و صلحت واحدی با عنوان مصالحت عمومی یا مصالحت شرع یا هر دو را در نظر می‌گیرند و جایی برای فساد، جنایت، شکست و آسیب‌پذیری باقی نمی‌ماند:

اگر ما هیچ جهتی را ملاحظه نکنیم الا برادری خودمان را، انسجام پیدا می‌کنیم... اگر همه مؤمنین در قطرهای اسلامی، در تمام کشورهای اسلامی همین یک دستور خدا را که خدا عقد اخوت پیشان انداخته است، همین یک دستور را عمل بکنند، قابل آسیب دیگر نیست... این گرفتاری‌ها برای ما پیدا نمی‌شد [صحیفه امام ۱۳۷۸ ج ۱۱: ۴۹۱].

مهمتر از همه اینکه بهشت و سعادت برین را نیز نتیجه وحدت، یکپارچگی و همبستگی بین مؤمنان و اخوت و برادری آنها همراه با اعتصام به جبل الله می‌داند و با استناد به آیه اخوت خطاب به مؤمنان می‌فرماید:

...این آیه را همه ملاحظه کنید. همه اعتصام به حبل الله بکنید، همه برادر باشید تا در بهشت هم - اخوان بر آن سروری که هستید در مقابل هم - برادر باشید. اگر اینجا برادری نباشد در آنجا هم بهشتی معلوم نیست باشد برای شما [صحیفه امام ۱۳۷۸ ج ۱۵: ۴۷۶].

۱۰) حکومت ابزار تحقق وحدت

یکی از مهمترین مسائلی که مورد عنایت حضرت امام خمینی بود و از هر لحاظ، نظری و عملی در راه تحقق آن نهایت سعی خود را کرد و سرانجام نیز با پیروزی انقلاب اسلامی به تحقق آن مبادرت ورزید، مسأله تشکیل حکومت بود. البته از دیدگاه امام خمینی حکومت یک سازمان اجرایی و ابزاری است و فی نفسه هدف نیست. بدین معنا که مطلوبیت آن وابسته به مطلوبیت اهداف متعالی آن است. برخی از اهداف متعالی حکومت عبارت بود از: تحقق قسط و عدل در جامعه، اجرای قوانین، برقراری نظامات اسلامی، حفظ وحدت جامعه و امت اسلامی و ...

حضرت زهرا^(س) نیز در خطبه شریفه خود می‌فرماید: «امامت برای حفظ نظام و تبدیل افتراق و جدایی مسلمانان به اتحاد است».

از دیدگاه امام، تحقق جمهوری اسلامی، (به عنوان حکومتی مطلوب و شایسته)، حاصل این وحدت بود. در واقع، وحدت عامل ضروری تشکیل حکومت و تشکیل حکومت عامل ضروری حفظ وحدت بود. این دو ملازم یکدیگرند. حکومت عدل الهی با اعتصام به حبل الله و برای ایجاد و استمرار این اعتصام به وجود می‌آید. به تعبیر حضرت امام، وحدت برای حفظ نظام لازم و حکومت برای تأمین وحدت ضروری است.

بر اساس آنچه گذشت، ماهیت وحدت از دیدگاه امام خمینی اموری چون اعتصام به حبل الله، مصلحت عمومی، مصلحت اسلام و شریعت، وحدت کلمه، وحدت در جهان بینی و نگرش (جهان بینی واحد) و کلمه وحدت، تابعیت عمل از اندیشه و جهان بینی، خدایی بودن وحدت و لذا فسادناپذیری آن، تقدس وحدت و تکلیف بودن آن به عنوان تکلیفی الهی و شرعی - اخوت و برادری - و نوعی الفت، یکرنگی، سعادت، رسیدن به بهشت و سعادت ابدی را تشکیل می‌دهند.

منابع

- قرآن کریم.
- ابن ابی الحدید معتزلی، ابو حامد عبدالحمید بن هبة . (۱۴۰۴ ق.)، شرح نهج البلاغه . قم: انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی.
- ابن هشام . (بی تا). سيرة ابن هشام . بیروت: دارالکتب العربی . ۲ ج.
- امام خمینی، روح الله . (۱۳۶۸). الرسائل . قم: مؤسسه اسماعیلیان . چاپ سوم، ۲ ج.
- _____ . (۱۳۷۵). شرح جهل حدیث . تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی . چاپ هفتم.
- _____ .. (۱۳۷۸). صحیفه امام . تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی . چاپ اول . ۲۲ ج.
- بی آزار شیرازی، عبدالکریم . (۱۴۰۴ ق.) . توحید کلمه . تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلام .
- حر عاملی . (۱۹۹۱ م.) . وسائل الشیعه تحصیل مسائل الصریحه . بیروت: دار احیاء التراث العربی . الطبعة السادس . ۲۰ ج.
- دهخدا، علی اکبر . (۱۳۷۳). لغت نامه دهخدا . تهران: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران . چاپ اول از دوره جدید . ۱۴ ج.
- راهنمای السانیت . (۱۳۷۶). گردآورنده: مرتضی فرید تنکابنی . تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی . چاپ دوم.
- مجلسی، محمدباقر . بحار الانوار . بیروت .
- موقفی، سید احمد . (۱۳۷۵). استراتژی وحدت در اندیشه سیاسی اسلام . قم: دفتر تبلیغات اسلامی .
- نهج الناصحه . (۱۳۷۷). گردآوری و ترجمه: ابوالقاسم پاینده . تهران: انتشارات جاویدان . چاپ سوم .

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی